

# نمایش در قرون وسطی در کشورهای اروپا و مقایسه آن با نمایشهای مدبھی در ایران

دکتر مهدی فروغ  
رئیس هنرکده هنرهای دراماتیک

(۲)

در فرانسه خواندن «شانسون دوژست»<sup>۱</sup> و افسانه‌های «آرتور»<sup>۲</sup> توسط خوانندگان دوره گرد حرفه‌ای رواج داشت و این اشخاص بدون شك مثل بعضی از مرثیه‌خوانها و نوحه‌سرایان و نقالان ما، صدا و حرکات و خصوصیات احوال اشخاص داستان خود را، ضمن خواندن این اشعار حماسی، تقلید میکردند.<sup>۳</sup> باید دانست که این کار در تاریخ تحول هنرهای دراماتیک عمل بکر و بی‌سابقه بوده و هیچ ارتباطی با درامهای کلاسیک نداشته است. با وجود اینکه آثار «ترنس»<sup>۴</sup> در مدارس تدریس میشد مردم تصور نمیکردند که آثار مزبور باید در روی صحنه و توسط هنرپیشه بازی شود. حتی در سده دهم و بعد از آن هم در سده دوازدهم میلادی بعضی از نویسندگان در صدد برآمدند که کمدی‌هایی بنا بر اساس و رسم و شیوه «پلوتوس»<sup>۵</sup> و «ترنس»<sup>۶</sup>

۱- «ژست» Geste کلمه ایست «لاتین» یعنی کار و عمل و بمعنای تاریخ و افسانه‌های پرحادثه نیز آمده است و مقصود از «شانسون دوژست» Les Chansons de Geste منظومه‌های حماسی فرانسه است که توسط شاعران یا خوانندگان دوره گرد خوانده میشد. این اشعار که عموماً ده یا دوازده هجائی بود سه دوره دارد که مهمترین آنها «ژستهای شارلمانی» Les Gestes de Charlemagne و «ژستهای گیوم» Les Gestes de Guillaume نامیده میشود. آغاز پیدایش این نوع شعر روشن نیست ولی از سده یازده تا پانزده معمول بوده است و به احتمال قوی ابتداء توسط زائرینی که ضمن مسافرت بزیراتکاهها این اشعار را برای سرگرمی میخواندند ساخته شده است.

۲- Arthurian Contes یکی از حماسه‌های فرانسه بنام «شانسون دورولان» Chansons de Rolan در سده دوازدهم توسط «نورمان» Norman ها به انگلیسی برده شد و در میدان جنگ «هستینگز» Hastings، در زمان هانری اول، خوانده میشد و کم‌کم رواج گرفت و بقرینه آن، داستان‌های «آرتور» Arthur که قهرمان معروفی نزد اقوام «برتون» Breton یعنی ساکنین بومی نواحی جنوب غربی و مغرب انگلیس بود ساخته شد ولی واقعاً مسلم نیست که آیا چنین قهرمانی وجود داشته است یا نه.

۳- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به «تاریخ سه هزار ساله تئاتر» The Theatre, Three Thousand years of Drama تألیف «شلدون چنی» Cheldon Cheney صفحه ۱۳۸.

۴- Terence بتوضیح مقاله سابق مراجعه شود.

۵- Plautus (۱۸۴-۲۰۴ ق. م.) کمدی‌نویس معروف روم. ابتداء به تجارت چوب و الوار و ساختن صحنه نمایش اشتغال داشت. پس از مدتی ورشکسته شد و مجبور گشت برای امرار معاش بکارهای دستی مختلف بپردازد. نیمه دوم عمر خود را بنوشتن نمایشنامه صرف کرد و موضوع بعضی از نمایشنامه‌های او را «مولییر» اقتباس کرده است که از جمله آنها یکی نمایشنامه خسیس است. کمدیهای «پلوتوس» تحت عنوان «پالیاتا» Paliata نامیده میشود چون صحنه واقعه همیشه در یونان است و هنرپیشه‌ها شل یونانی یعنی «پالیوم» Pallium بتن میکردند. بیست نمایشنامه از صد نمایشنامه‌ای که نوشته در دست است. شکسپیر نیز کمدی اشتباهات The Comedy of errors را از او اقتباس کرده است.

بنویسند ولی نمایشنامه‌های غیر عملی<sup>۷</sup> که باینصورت بوجود آمد برای بازی در روی صحنه نبود. دانته<sup>۸</sup> شاهکار ادبی خود را تحت عنوان «کمدی» معرفی کرده و «چوسر»<sup>۹</sup> «افسانه راهب»<sup>۱۰</sup> خود را تراژدی خوانده است. شاید این اشخاص نمیدانسته‌اند که اصطلاح «تراژدی» و «کمدی» به چه نوع از انواع ادب کلاسیک باید اطلاق شود. بهرحال تعبیر کلاسیک تراژدی و کمدی تا اواخر سده پانزدهم، یعنی تا موقعی که نفوذ نهضت رنسانس در ادبیات و هنر آغاز شد بصورت صحیح بکار نمی‌رفت.

بنابر آنچه گفته شد ما میتوانیم باکمال اطمینان بگوئیم که در آن هنگام که درام مذهبی جدید در اروپا بظهور پیوست قرن‌ها بود که درام دوره‌های قدیم یونان و روم بکلی فراموش شده بود. حتی ثابت شده است که نمایشنامه «مصیبت حضرت مسیح»<sup>۱۱</sup> منسوب به «گرگوری نازیان» (نویسنده معروفی از پیشوایان مذهبی که در سده چهارم بعد از میلاد میزیسته است) و شش نمایشنامه کمدی که توسط یک راهب بنام «هرسویتا»<sup>۱۲</sup> از اهالی «گراندرشایم»<sup>۱۳</sup> واقع در «ساکسونی»<sup>۱۴</sup> نوشته شده در نمایشنامه‌های مذهبی اروپا هیچ اثر و نفوذی نداشته است.<sup>۱۵</sup> از آنچه تا حال درباره مبدا پیدایش نمایشنامه‌های مذهبی در ایران بیان داشته‌ایم<sup>۱۶</sup> میتوانیم مشابهتی بین نمایشهای مذهبی ایران و نمایشهای مذهبی اروپا مشاهده کنیم. هر دو از نفوذ کلاسیک یا هر نفوذ دیگر بدور هستند. مقصود و هدف هر دو نمایش یکی است و همچنین مبدا پیدایش آنها مقبول نظر عامه مردم بوده است. موضوع هر دو درباره حوادثی است که

۶ - Terence بتوضیح مقاله سابق مراجعه شود.

۷ - نمایشنامه‌های غیر عملی که بزبان انگلیسی آنها را Closet drama مینامند به نمایشنامه‌هایی اطلاق میشود که از لحاظ ادبیات ارزش دارد ولی قابل بازی در روی صحنه نیست. مثل «فاوست» گوته شاعر آلمانی. بعضی از نقادان این تعبیر را نمی‌پسندند که هرگاه شاعر بقنون درام نویسی کاملاً آگاه نباشد نمایشنامه‌هایی مینویسد که قابل بازی در روی صحنه نیست و لذا آنها را در ردیف ادبیات معرفی میکند.

۸ - Danté (۱۲۶۵-۱۳۲۱) شاعر ایتالیایی که کتاب معروف او بنام «کمدی الهی» La Divina Commedia در سراسر جهان مشهور است.

۹ - Geoffrey Chausser (۱۳۴۰-۱۴۰۰) شاعر معروف انگلیسی که کتابش بنام «افسانه‌های کانتربری» Canterbury tales شهرت جهانی دارد.

۱۰ - به مقدمه «افسانه راهب» در مجموعه آثار «جفری چوسر» Geoffrey Chaucer توسط «ف. ن. رابینسون» چاپ «بستن»، ۱۹۳۳، صفحه ۲۲۶ مراجعه شود. در این مقدمه چوسر میگوید: «تراژدی عبارت از سرودن افسانه‌ایست درباره کسی که درناز و نعمت بوده ولی اقبال از او برگشته و بابدبختی و بیچارگی دست بگریبان باشد».

برای کسب اطلاع بیشتر به کتاب «فلسفه درام اروپائی» European Theories of the Drama تألیف «بارت ه. کلارک» Barrett H. Clark چاپ نیویورک، سال ۱۹۴۵، صفحه‌های ۴۱ و ۴۵ و ۴۷ مراجعه شود.

۱۱ - Christ Suffering

۱۲ - St. Gregory Nazianzen بنا بر روایت «کلارک» در کتاب سابق الذکر صفحه ۲۰۳ و ۲۰۴ «جان میلتنون» John Milton (۱۶۰۸-۱۶۷۴) شاعر معروف حماسه‌سرای انگلیسی و مصنف «بهشت گم‌شده» Paradise Lost در مقدمه تراژدی «سامسون آگونیزست» Samson Agonistes نقل میکند که «گرگوری نازیان» نوشتن یک تراژدی بنام «مصیبت حضرت مسیح» را با مقام قدس و ورعی که داشت نامناسب تشخیص نداد.

۱۳ - Hroswitha

۱۴ - Grandersheim

۱۵ - Saxony

۱۶ - «جان گاسنر» John Gassner در کتاب «استادان درام» Masters of the Drama چاپ نیویورک، ۱۹۴۵ در پاورقی مینویسد که «هرسویتا» را میتوان «ژرژ ساند» George Sand قسمی مآبی تلقی کرد.

۱۷ - این مطلب در فصل قبل از این توضیح داده شده که امیدواریم بعداً بهمین ترتیب ترجمه و چاپ شود.



دسته عزاداری که مقدمه‌ای بر پیدایش تعزیه بوده است .

منحصر آ یا مربوط به تاریخ روحانی است و یا منسوب به افسانه‌های مذهبی .  
 نمایشهای مذهبی ایران هم مثل نمایشنامه‌های قرون وسطی در اروپا - و تحقیق مثل  
 هر درام دیگر - در نتیجه تمایل عمومی به شبیه‌سازی یا تقلید حرکات اشخاص داستان ضمن  
 نقل مطالب و وقایع بوجود آمده است . این تمایل عمومی به شبیه‌سازی ضمن نقل داستان رنج  
 و مصیبت حضرت مسیح در اروپا مخصوصاً در فرانسه منشاء پیدایش نمایشهایی تحت عنوان  
 میستر<sup>۱۸</sup> گردید و همین انگیزه همگانی در انگلستان و در نقاط دیگر ضمن بیان حوادث زندگی  
 قدیسان نمایشهای مذهبی «میراکل»<sup>۱۹</sup> را پدید آورد و ملازمت آن با تذکار وقایع دلخراش  
 کربلا در ایران موجب پیدایش تعزیه شد . مخصوصاً در این مرحله است که نمایشهای مذهبی  
 ایران و نمایشهای مذهبی قرون وسطی بی‌اندازه بیکدیگر شباهت دارد .

۱۸ - Mystery در اصل یونانی است بصورت «میستریون» Myeterion که در زبان لاتین به  
 «میستریوم» Mystierium تبدیل شده و بمعنی مناسک سرّی مذهبی است یعنی تشریفات که شرکت در آن  
 منحصر به اخصّاء پیروان آیین است . کسانی که دهانشان برای بازگو کردن آن مراسم بسته باشد و راز آنرا  
 برآنان که اهل آن آیین نیستند فاش نمانند . این کلمه در اصل در مورد مناسک مذهبی که سالی یکبار در شهر  
 «الیوسیس» Eleusis واقع در چهارده کیلومتری شهر آتن به افتخار «دی‌میتر» Demeter خدای زمین  
 بصورت سرّی صورت میگرفت بکار برده میشد و در قرون وسطی در مورد نمایشنامه‌های مذهبی که بمنظور تهذیب  
 اخلاق و تجسم‌دادن بداستانهای کتاب انجیل اجرا میشد بکار برده شده است .

۱۹ - Miracle نوع دیگر از نمایشهای مذهبی قرون وسطی که موضوع آن بیشتر مربوط و درباره  
 معجزات و کرامات قدیسان بوده است . در انگلستان این کلمه در مورد هر دو نوع نمایش بکار میرفته است .

با وجود اینکه نمایشنامه‌های مذهبی قرون وسطی، همانطور که قبلاً هم اشاره شد، تحت نفوذ درام کلاسیک یونان و روم واقع نبود و نمایشهای مذهبی ایران نیز بنوبه خود تحت تأثیر هیچکدام قرار نگرفته است ولی هر سه نوع درام دارای مطالب مشترک و مشابهی هستند سرچشمه پیدایش هر سه درام احساسات شدیدی بوده که در نتیجه اجرای مراسم و مناسک مذهبی ایجاد شده است. دزهرسه موسیقی نقش مؤثری داشته و در هر سه وسیله بیان شعر بوده است. مبداء پیدایش تئاتر یونان قدیم آوازهائی بوده که در جشنهای مذهبی میخواندند<sup>۴۰</sup> و مبداء درام قرون وسطی عبارت بود از سؤال و جوابهایی که بصورت تلجین ضمن نیایش بدرگاه خداوند بین کشیشان ردوبدل میشد.<sup>۴۱</sup>

مبداء پیدایش نمایشهای مذهبی ایران نیز اشعار پرشوری بوده که بصورت سؤال و جواب بعنوان قسمتی از مراسم سالانه مذهبی در رثاء و بمنظور تذکار مصائب خاندان علی و فرزنداناش حسن و حسین خوانده میشده است<sup>۴۲</sup>

سابقاً توضیح داده‌ایم که چگونه تشریفات ماه محرم که نمایشهای مذهبی از آن ناشی شده بعنوان قسمتی از نهضت ملی ایرانیان برای مبارزه با تسلط اعراب دایر و برقرار شد. همین عامل احساسات نیرومند ملی است که ما نه در درام کلاسیک یونان میبایم ونه در درام مذهبی اروپا. با وجود خطوط مرزی و جغرافیائی که بین کشورهای این قاره وجود داشته و زد و خورد ها و اختلافات سیاسی که بین مردم آن موجود بوده همه از لحاظ مذهب روحاً و معنأ يك دل و يك جهت بوده‌اند. حتی فرقه‌های مختلفی که در عالم مسیحیت بوجود آمده موجب تغییرات کلی و اساسی معتقدات ایشان نگردیده است.

در انگلستان مهاجمان بودند که درام را با خود بآن کشور بردند. تقریباً محقق شده است که تا پیش از تسلط «نورمان» ها بر انگلستان در سال ۱۰۶۶ هیچ نوع نمایش در آن کشور وجود نداشته است. اجرای نخستین نمایش میراکل منسوب بیک «نورمان» بنام «جفری»<sup>۴۳</sup>

۲۰- «دوره کامل درام یونانی قدیم» The Complete Greek Drama تألیف «بنتی اوتر»  
Whitney J. Oates ویوجین اونیل پسر درام نویس معروف امریکائی، چاپ نیویورک در سال ۱۹۳۸  
صفحه XIX

۲۱- «به استادان درام» Mosters of the Drama تألیف «جان گاسنر» Gassner صفحه ۱۴۱ مراجعه شود.

۲۲- ساموئل جی. ویلیام بنجامین S. G. W. Benjamin در کتاب خود بنام «ایران و ایرانیان»، لندن، ۱۸۸۷، در صفحه ۳۷۳ مینویسد: «هر مسافر اروپائی که نخستین بار در ماههای عزاداری محرم و صفر در خیابانهای تهران پرسه میزند از هیاهوی شگفتی بخشی که در آن شهر بانسبه ساکت قدیمی بگوش میرسد دچار حیرت میگردد: این صدای کودکان است که بریده‌های آوازی را که هرگز نظیر آن در جای دیگر شنیده نشده با آهنگی نافذ و مؤثر میخوانند. آنچه میخوانند آهنگی غریب و غیرعادی و غم‌افزا و گله‌آمیز است و بصورتی توصیف‌ناپذیر حالت تهلیلی را که هنگام خواندن سرود «استابا ماتر» Stabat Mater بما دست میدهد در شنونده ایجاد میکند. ولی حالت آن لحن منحصر بخود آنست بعبارت دیگر نوای موسیقی بخصوصی است که توجه را فوری جلب میکند، و در تارهای پراحساس دل آدمی نفوذ میکند. («استابا ماتر» نام سرود مشهوری است مربوط بقرون وسطی درباره مصلوب ساختن حضرت مسیح که در سرتاسر تاریخ مسیحیت مورد علاقه و توجه بوده است. این سرود در قرن سیزدهم ساخته شده و از همان ابتداء جزء تشریفات مذهبی درآمده است. مصنفان بزرگی برای این سرود آهنگ ساخته‌اند که از جمله معروفترین آنها نام «ژوسکن دیره» Josquin des Près و «پالسترینا» Palestrina و «پارگولزی» Pargolesi و هابدن، و روسینی، و وردی، و «دووژاک» Dvorsk را میتوان ذکر کرد).

Geoffrey - ۲۳

است که راهب دیر «سنت البتز»<sup>۴۴</sup> بوده و با احتمال قوی اجرای این نمایش در پایان سده یازدهم صورت گرفته است.<sup>۴۵</sup>

نمایشنامه‌های مذهبی در انگلستان ابتداء بزبان لاتین یا بزبان «نرمان» نوشته میشد و قدیمترین نمایشنامه‌ای که درباره خلقت حضرت آدم و سقوط او در دست است بزبان «نرمان» خالص است. نخستین نمایشنامه مذهبی که بزبان انگلیسی موجود است توسط مردی بنام «راندولف هیگدن» «راهب دیر چستر»<sup>۴۶</sup> نوشته شده است. ولی با وجود اینکه نوشتن نمایشنامه‌های میراکل در انگلستان بزبان اصلی از این تاریخ محقق است در آن سرزمین میداء و منشاء مستقلى نداشته است. حتى احتمال می‌رود که تا سده دوازدهم و سیزدهم نیز نمایشنامه‌های مذهبی در آن کشور همچنان بزبان فرانسه نوشته و بازی میشد. در صورتیکه نمایشنامه‌های مذهبی در ایران بجهت اینکه بیشتر بمنظور برانگیختن احساسات ملی نوشته میشده همیشه بزبان فارسی یعنی زبان مردم خود این کشور بوده است در صورتیکه اگر بزبان پیامبر اسلام هم نوشته میشد چندان بیمورد نبود.

نمایشهای «میراکل» در انگلیس مثل نمایشهای مذهبی ایران بی اندازه مورد علاقه و رغبت عامه مردم بوده است. تقریباً يك قرن بعد از اینکه «نورمان» Norman ها خاک انگلیس را تصرف کردند اجرای این نمایشها تقریباً در هر شهر و دهکده ای رواج یافت و در قرنهای چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم در نقاط دیگر آن سرزمین نیز متداول گردید.<sup>۴۷</sup> و علت اینکه بیش از حد مورد علاقه مردم بود مجبور شدند آنها را در خارج از کلیسا بمعرض نمایش بگذارند تا جمعیت بیشتری از دیدن آنها برخوردار شوند. صرف نظر از شهر «چستر» لااقل در سه مرکز عمده و تعداد زیادی از مراکز کوچکتر این نمایشها بی اندازه مورد رغبت و علاقه مردم بوده و نحوه اجرای آنها نیز بی اندازه مشهور بوده است. سه مرکز عمده دیگر عبارتست از «یورک»<sup>۴۸</sup> و «ویک فیلد»<sup>۴۹</sup> و «کاوتتری»<sup>۴۰</sup>

۲۴ - St. Albans شهر و منطقه‌ای در انگلیس واقع در سی کیلومتری شمال غربی لندن که تاریخ ایجاد آن از سال ۳۰۳ میلادی یعنی بلافاصله پس از شهید شدن یکی از پیشوایان مسیحی بهمین نام، با بنای نمازخانه‌ای در آن محل شروع شده و در سال ۷۹۳ که بقایای جسد این شهید را در آنجا یافتند به افتخار وی صومعه‌ای در آن شهر بنا نهادند که غنی‌ترین و مهمترین صومعه‌های آن جزیره محسوب میشد و هنوز هم محل مزبور با کلیسای اعظمی که دارد از نقاط معروف حومه شهر لندن است. «سنت آلبتز» نخستین شهیدی است که در انگلستان در راه ترویج مذهب مسیح کشته شده است. تولدش در همین شهر اتفاق افتاده و پس از هفت سال خدمت در روم و بازگشت به انگلیس به گناه مسیحی بودن ظاهراً بدستور امپراتور روم او را کشتند.

۲۵ - به کتاب سابق الذکر «چیمبرز» Chambers از صفحه ۶۴ بعد مراجعه شود.

۲۶ - Randolph Higden (۱۳۶۳-۱۲۹۹) یکی از راهبان «دیر چستر». در انگلستان که ۶۳

سال عمر خود را در این صومعه بسر برده و وقایع ایام را تا سال ۱۳۲۷ نوشته است.

۲۷ - به کتاب «گاسنر» Gassner سابق الذکر صفحات ۱۴۶ و ۱۵۲ مراجعه شود.

۲۸ - برای اطلاع بیشتر به کتاب آلفرد و. پولارد Alfred W. Pollard بنام نمایشنامه‌های میراکل

در انگلستان English Miracle plays چاپ لندن، سال ۱۹۵۰، صفحه ۲۲ مراجعه شود.

۲۹ - York شهری در منطقه‌ای بهمین نام در شمال انگلیس که دارای کلیساها و کاخها و بناهای تاریخی

مهمی است.

۳۰ - Wakefield

۳۱ - Coventry